

تبیین ضرورت پیوست نگاری فرهنگی در پاسداری از انقلاب اسلامی

سعید زمانی^{۶۱}، پرویز جباری^{۶۲}

فصلنامه مدیریت فرهنگی مطهر، سال هجدهم، شماره ۵۹، زمستان ۱۴۰۰

چکیده

نقش سپاه در قانون اساسی حفاظت از انقلاب و دستاوردهای آن ذکر شده است. از طرفی مقام معظم رهبری انقلاب را به عنوان حرکتی که در ذات خود یک حرکت پیشرونده است معرفی می کند و پاسداری و حفظ انقلاب را حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش‌برندگی می دانند. از این جهت ماموریت‌های متنوعی بر این نهاد مترتب می گردد که بی شک پیامدهای فرهنگی گوناگونی بر افراد، سازمانها و جامعه خواهد داشت. بررسی این پیامدهای فرهنگی و نوع تاثیر آنها که آیا تقویت کننده ارزشهای اسلامی و انقلابی است یا تضعیف کننده آنها، ضرورتی انکارناپذیر در مسیر پاسداری از انقلاب اسلامی است. پیوست فرهنگی و تهیه و تدوین آن برای فعالیتهای مختلف می تواند پاسخگوی این سوالات باشد لذا این مقاله در صدد است تا با بهره گیری از بیانات مقام معظم رهبری و تعریف جامع فرهنگ، پیوست فرهنگی و مفهوم پاسداری از انقلاب اسلامی به روش مطالعه کتابخانه ای اسنادی ضرورت پیوست نگاری فرهنگی را برای پاسداری از انقلاب اسلامی تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، پیوست فرهنگی، پیوست نگاری فرهنگی، پاسداری، انقلاب اسلامی.

^{۶۱} - عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، مربی دانشکده شهید مطهری بسیج - amiraliz_۱۳۶۱@yahoo.com

^{۶۲} عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع).

مقدمه

انقلاب اسلامی ما ماهیتاً یک انقلاب فرهنگی است و نظام جمهوری اسلامی ایران آنطور که در مقدمه قانون اساسی آمده، با هدف رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان ایجاد گردیده و تا به امروز به دنبال استقرار همه جانبه ماهیت فرهنگی خودش که، ماهیت بی بدیلی است، بوده و ارتقاء عدالت، اخلاق و معنویت را به عنوان هدف غایی خود برگزیده است. از طرفی به تعبیر مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران، اهداف اصلی، اهداف فرهنگی میباشد، بنابراین مدیریت راهبردی در کشور، مدیریت راهبردی فرهنگی است. در واقع در نظام اسلامی و بر مبنای تفکر اسلامی، قدرت و ثروت مقدمه است برای این که انسان ها از لحاظ فکر، اخلاق، فضایل و علم تعالی پیدا کنند و پیش بروند. با توجه به این موضوع کارایی نظام جمهوری اسلامی وقتی به نقطه اوج خود می رسد که ما توانسته باشیم ضمن پیشرفت و توسعه جانبه، همه تحولات علمی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را در خدمت رشد و ارتقای ارزش های انسانی قرار دهیم. این بدان معناست که در جمهوری اسلامی نظام فرهنگی به عنوان یک مجموعه که انواع، اجزا، روابط و کارکردی دارد نظام محوری است و نظامات دیگر در جامعه می بایست خود را با آن تعریف نمایند. برای اینکه چنین تحولی ایجاد شود، همه دستگاه های تحول آفرین در سطح جامعه باید با شناسایی همه توانایی های خود نقش شان در فرهنگ را اصلاح کنند.

در این میان سازمانها و نهادهای برآمده از متن انقلاب اسلامی و بخصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با توجه به رسالتی که بر عهده دارند می بایست در این راستا پیشگام باشند؛ چه اینکه رسالت سپاه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است و از آنجا که به طور مستقیم به حاکمیت نظام منتسب است می بایست تأثیرات و پیامدهای ناشی از تصمیمات و اقدامات خود را در عرصه های گوناگون بر فرهنگ جامعه بسنجد و به طور مستمر نسبت آنها را با پاسداری و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی رصد نماید. این مهم دست یافتنی نخواهد بود مگر با درک صحیح از مفهوم فرهنگ و تعریف درست از پاسداری و حرکت مومنانه و مجاهدانه در این مسیر. به عبارت دیگر برای پایش مستمر تأثیرات فرهنگی تصمیمات و اقدامات سپاه در موضوعات و سطوح مختلف و تعیین میزان ابتناء آنها بر فرهنگ اصیل انقلاب اسلامی ابزاری نظام مند برای محک و سنجش مورد نیاز است و پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کارساز در

پیوند مدیریت راهبردی فرهنگی و مدیریت اجرایی این نقش را ایفا می نماید و می تواند پاسخگوی این سوال باشد که هر کدام تصمیمات و اقدامات سپاه در سطوح مختلف چه نسبتی با فرهنگ ناب اسلامی دارد و چگونه می توان باعث تقویت آثار و پیامدهای فرهنگی فعالیت‌های فرهنگی و غیر فرهنگی یا کاهش تاثیرات منفی فرهنگی این فعالیت‌ها شد. در واقع سپاه به واسطه نقش پیش‌روندگی و پیش‌برندگی مورد انتظار مقام معظم رهبری می بایست این موضوع را مورد توجه قرار دهد. موضوعی که مقام معظم رهبری در آذر ماه سال ۱۳۸۶ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی اینطور می فرمایند: در طرح‌های گوناگونی که در کشور تنظیم می شود، طرح‌های اقتصادی، طرح‌های پولی و مالی، طرح‌های عمرانی حتماً یک پیوست فرهنگی وجود داشته باشد که آن پیوست فرهنگی مصوبه شورا است و همه ملزم باشند به آن عمل کنند و آن را لازم الاجراء بشمارند.

لذا در این مقاله نویسندگان بر آنند تا با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری در تعریف جامع فرهنگ و پیوست فرهنگی و مفهوم پاسداری از انقلاب اسلامی به روش مطالعه کتابخانه‌ای اسنادی ضرورت پیوست نگاری فرهنگی را برای پاسداری از انقلاب اسلامی تبیین نمایند.

تعاریف

فرهنگ

امام خمینی(ره) فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت میداند و می فرماید آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است. اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می‌شود. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶).

آیت ... خامنه‌ای نیز در تعریف فرهنگ می فرماید: اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از : عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و ملی او (۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۹)

نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتارها و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد(نظام‌نامه تدوین مهندسی فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۹).

پیوست فرهنگی

سندی است مشتمل بر مطالعات کارشناسی، مبین پیش‌بینی پیامدهای فرهنگی و اعمال الزامات و استانداردهای مربوط در هر نوع طرح، تصمیم و اقدام کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی - قضائی،

اجتماعی و فرهنگی متناسب با مقتضیات و شرایط جامعه. (تعریف مصوب شورای تخصصی مهندسی فرهنگی، نظام نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی، مهر ۸۸)

با این وصف، پیوست فرهنگی عبارت است از: الف) یکی از ابزارهای رصد و هدایت کلان فرهنگی کشور در دوران حال و گذار، ب) ابزار مهم پیوند نظام مدیریت راهبردی فرهنگی با عرصه میدانی و اجرایی، ج) سازوکار کنترل و تعالی فرهنگی در فرآیند توسعه همه جانبه اجتماعی در سطح ملی و فراملی. (نظام نامه پیوست فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۷)

پاسداری از انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری: هویت سپاه که هویت پاسداری است، به معنای یک مفهوم محافظه کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را میتوان با یک تفسیر محافظه کارانه معنا کرد. یعنی بگوئیم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم؛ من این را نمیگویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست.... انقلاب پیشرونده و پیش برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش برندگی. پاسداری از انقلاب، به این معناست. (۱۳/۰۴/۱۳۹۰)

نگاه حداکثری به فرهنگ

برخلاف آن چه که در افکار عمومی جامعه حاکم شده و تا می گوئیم فرهنگ، ذهن ها به سمت سازمان هایی که عنوان فرهنگ را یدک می کشند می رود، تحولات فرهنگی حاصل عملکرد همه بخش های جامعه است. در واقع فرهنگ زیر بنایی ترین بخش جامعه است و در تمام امور فردی و جمعی ما تاثیر گذار و تاثیر پذیر است. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

«فرهنگ یک سیستم است و دارای انواع و اجزائی است و مهندسی فرهنگ به عنوان یک مهندسی سیستم باید انجام پذیرد. فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است. فرهنگ که می گوئیم اعم از: مظاهر فرهنگی - مانند زبان و خط و امثال اینها و آنچه باطن و اصل تشکیل دهنده پیکره فرهنگ ملی است مثل: عقاید، آداب اجتماعی، موارث ملی، خصلت های بومی و قومی اینها ارکان و مصالح تشکیل دهنده فرهنگ یک ملت است. فرهنگ دارای انواعی است و در مهندسی فرهنگ همه این انواع فرهنگ باید مهندسی شوند. انواع فرهنگ عبارتند از: فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی فرهنگ ملی.» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۳) یا در جای دیگر می فرمایند:

فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه ی کارها همه برخاسته ی از آن چیزی است که

شما استنشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه‌ای که در اندامها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. خیلی از مشکلات جامعه‌ی ما با فرهنگ‌سازی حل می‌شود (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۸۶/۶/۴).

همانطور که مشهود است فرهنگ بستر اصلی حرکت عمومی کشور است و با این نگاه نظام فرهنگی نظام محوری است بدین معنا که سایر نظامات جامعه بایستی نسبت خود را با آن تعریف کنند. در واقع فرهنگ به عنوان جهت دهنده تصمیمات کلان کشور، حتی در تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و نیز در تولید نقش دارد. چه اینکه فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کشور حضور دارد. این مطلب را مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بدین ترتیب بیان نموده‌اند:

فرهنگی که باید در تولید، خدمات ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی، تصمیمات امنیتی و ... رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کند، چیست؟ (۸۱/۹/۲۶).

فرهنگ هویت یک ملت است. ارزشهای فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند؛ به این باید توجه کرد (۹۲/۰۹/۱۹).

در واقع دو نگاه به مقوله فرهنگی وجود دارد؛ یک نگاه، نگاه حداقلی است که ما بحث فرهنگ را فقط در ابزارهای شناخته شده‌ی فرهنگی خلاصه می‌کنیم. مثلاً فکر می‌کنیم فقط فیلم، موسیقی، مسجد، منبر و ... کار فرهنگی انجام می‌دهند. نگاه دیگر، نگاه واقع بینانه و حداکثری است که در آن همه‌ی مقولاتی که در زندگی مردم جامعه تأثیرگذار است، دارای نقش و بار فرهنگی هستند. یعنی فعالیت‌های اقتصادی، قانون‌گذاری در جامعه، تصمیماتی که شوراهای مختلف به شکل کلان در زمینه‌های سیاسی - اجتماعی و همه‌ی عرصه‌ها می‌گیرند، همه دارای اثر و پیامد فرهنگی است. بر این اساس می‌توان گفت علیرغم اینکه در سطح جامعه برخی از دستگاهها و نهادها صرفاً برای انجام امور فرهنگی ایجاد شده‌اند اما نبایست این مطلب ما را از تاثیر فرهنگی سایر دستگاهها و نهادها غافل نماید و برای درک صحیح از مفهوم فرهنگ با نگاهی جامع و سیستمی تمام اجزا و تعاملات میان آنها را بررسی نماییم و چگونگی آثار حضورمان را در روابط جامعه به عنوان بخش مهمی از فرهنگ شناسائی کنیم.

پیوست فرهنگی ابزار محک تاثیر فرهنگی

همانطور که در بخش قبل مطرح شد، تاثیرات متقابل هر فعالیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر نظام بهم پیوسته اعتقادات، ارزش ها و گرایشات مردم یک جامعه که به عنوان هسته مرکزی فرهنگ معروف است، انکار ناپذیر است. در واقع پیوست فرهنگی ماهیتاً ارتباط پدیده های مختلف، ساختارها و نظام های مختلف با فرهنگ را مشخص می کند و با دو هدف بازدارندگی از ورود فرهنگ مخرب و پیش برندگی نسبت به فرهنگ مطلوب، ابزار محک پیامد های فرهنگی تصمیمات، اقدامات، طرحها و پروژهاست. و به این دو سوال مهم پاسخ می دهد که اولاً این تصمیم، طرح و ... بر اساس کدام مبانی فرهنگی استوار است؟ و ثانیاً آیا انجام آن ارزشهای اسلامی را تقویت می کند و یا تضعیف می نماید؟ در این راستا بر اساس رویکرد فرهنگ محور در جمهوری اسلامی ایران مقوله ی پیوست فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. موضوعی که در بیان رهبر معظم انقلاب به شرح زیر مطرح شده است:

نمیتوانیم فرهنگ را از عرصه های دیگر منفک کنیم؛ همین طور که اشاره کردند، [اینکه] ما گفتیم مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم پیوست فرهنگی داشته باشد، معنای آن همین است؛ معنای آن این است که یک حرکت اساسی که در زمینه ی اقتصاد، در زمینه ی سیاست، در زمینه ی سازندگی، در زمینه ی فناوری، تولید، پیشرفت علم میخواهیم انجام بدهیم، ملتفت لوازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد میشود، یک کار اقتصادی انجام میدهد، [اما] لوازم آن و تبعات فرهنگی آن را توجه ندارد. بله، کار کار بزرگی است؛ کار اقتصادی بزرگی است، منتها بر آن مترتب میشود لوازمی و تبعاتی که برای کشور ضرر دارد؛ فرهنگ اینجوری است. باید در همه ی مسائل آن نکته ی فرهنگی را در نظر داشت و نگذاریم که این از یاد برود. (۹۲/۹/۱۹)

تاریخچه

هرچند که بر اساس اسناد و مدارک سابقه موضوع پیوست فرهنگی در جهان به سال ۲۰۰۲ و سومین همایش سالیانه بین المللی تنوع فرهنگی بر می گردد^{۶۳} اما با نگاهی به تاریخچه انواع سازوکارهای کنترلی- نظارتی مانند پیوست صنعتی (تأسیس در ایران در ۱۳۳۹)^{۶۴} پیوست بهداشت و سلامت

^{۶۳}- Framework for Cultural Impactasses Ment, Burmak.Sagnig. Dakar, Sengal, ۲۰۰۴.

^{۶۴} ر.ک. سایت سازمان ملی استاندارد ایران.

(نامشخص)، پیوست سیاسی امنیتی (نامشخص)، پیوست اقتصادی (نامشخص)، پیوست محیط زیست (اواخر دهه شصت میلادی در آمریکا) ۶۵، پیوست اجتماعی (اواخر دهه هفتاد میلادی در آمریکا و اروپا و اوایل دهه اول از قرن جدید در ایران) ۶۶، پیوست فقهی حقوقی (همزمان با تصویب قانون اساسی به عنوان پیوست اختصاصی نظام ج. ا. ا. ۶۷ و بالاخره، پیوست فرهنگی (ج. ا. ا. در آذر ۱۳۸۶ شمسی) ۶۸ می توان به توجه دولت ها طی قرن اخیر، نسبت به فرآیند و نرم افزار پایش و پیمایش محیطی نسبت به جماد و نبات و حیوان و انسان و ارتباطات چند لایه انسان با طبیعت، انسان با انسان (فرد و جامعه)، انسان با طبیعت و انسان با خدا پی برد. حال فرقی نمی کند که دولت هایی مانند آمریکا و اروپا و شوروی سابق، سردمدار این رصد و نظارت باشند و تنها برای حفظ و توسعه منافع ملی و حزبی و فردی خویش، به این سخت گیری ها تن دهند یا دولت های مانند ایران اسلامی که هویت اصلی خویش را در حفظ و تعالی فرهنگ ارزشی خویش جستجو می کند. این ابزارهای فرهنگی و غیر فرهنگی، لازمه بقای زیست انسانی است تا در دو نگاه متفاوت، به لذت و رفاه یا مقام خلیفه الهی که تنها شایسته انسان است نائل شود. (نیک منش، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر تهیه پیوست فرهنگی در محیط بین المللی با اجرای آن در داخل کشور تفاوت های مهمی دارد. این تفاوت ها هم از حیث اهداف و هم از حیث جهت گیری ها و سطوح پیوست فرهنگی است. هدف از انجام پیوست فرهنگی در محیط بین المللی حفاظت از تنوع فرهنگی در جهان است. از همین روی متغیرهای فرهنگی مورد توجه، در چارچوب نظام فرهنگی مستقر اهمیت داشته و طرح ها و پروژهای که به تنوع فرهنگی آسیب می زند مورد توجه است، در حالی که در نظام جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه حفاظت از میراث فرهنگی در پیوست فرهنگی اولویت دارد، حفظ شیوه زندگی دینی هدف اصلی است. نظام اسلامی از ابتدای انقلاب در تلاش بوده است تا فرهنگ عمومی جامعه را به سمت دینی شدن سوق دهد. در واقع می توان ادعا کرد که پیوست فرهنگی ضمن آنکه هنوز مراحل شکل گیری خود را طی می کند با مبنای متفاوت

۶۵ ر. ک. دستور العمل ارزیابی پیوست اجتماعی فرهنگی ۱۳۸۸.

۶۶ همان.

۶۷ از مهمترین پیوست هاست که مشروعیت دینی و رسمیت قانونی تمامی طرح ها و لوایح مجلس شورای اسلامی توسط دو گروه شش نفره از فقیهان و حقوقدانان منتخب را تضمین می کند. این پیوست در یک نگاه کلان، بخشی از پیوست فرهنگ دینی محسوب می شود.

۶۸ شایان ذکر است فراگیری و سهم تأثیر تمامی پیوست ها یکسان نیست. مثلاً پیوست های صنعتی، بهداشتی، محیط زیستی و فقهی حقوقی از فراگیری بیشتری نسبت به سایر پیوست ها که موردی و مربوط به برخی دستگاه هاست برخوردارند.

می تواند فضای شبکه پیوست و پیوست نگاری را در آینده ای نه چندان دور در ایران و سپس جهان، متحول کند.

اهمیت پیوست فرهنگی

به نظر می رسد برای بررسی اهمیت پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری جدید در مدیریت فرهنگی باید به تهدیدها و فرصتهای فرهنگی، که در برابر نظام اسلامی وجود داشته است و یا خواهد داشت توجه کرد.

تهدیدها

- ❖ توسعه نامتوازن و تخریب بنیانها و مولفه های فرهنگ ایرانی اسلامی.
- ❖ آسیب پذیری جدی فرهنگی در مقابل تعاملات و تهاجمات سنگین سایر فرهنگ ها، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
- ❖ باقی ماندن هدف گذاری های کلان فرهنگی در حد شعار و عدم دستیابی به چشم انداز مطلوب بر اساس آرمانهای ذاتاً فرهنگی نظام مقدس اسلامی.
- ❖ فراگیر شدن و شیوع تضادهای اجتماعی و مخرب و بحران هویت و ابعاد نامطلوب و نگران کننده آن در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی و امنیتی.
- ❖ عدم بهره وری و ناکارآمدی ابعاد در حال توسعه کشور به دلیل ناهماهنگی با سازه های اجتماعی و فرهنگی.
- ❖ تحمیل هزینه های سنگین در خصوص ترمیم و اصلاح مسیر های توسعه ای طی شده، در دراز مدت جهت افزایش بهره وری و کارآمدی.

فرصت ها

- ❖ پیوست فرهنگی فرصتی قابل توجه برای طراحی و مدیریت توسعه متوازن در اختیار می گذارد.
- ❖ پیوست فرهنگی فرصتی واقعی برای جاری ساختن سیاستهای کلان فرهنگی در موضوعات و ابعاد مختلف و تحقق آرمانهای نظام اسلامی در اختیار مدیریت کشور می گذارد.
- ❖ پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کلیدی و راهگشا می تواند فرصت و زمینه ایجاد مصونیت فرهنگی و تقویت هویت ملی را در اختیار بگذارد.
- ❖ پیوست فرهنگی فرصت تازه و آزمایشگاه فوق العاده ای برای آزمون و خطاهای مورد نیاز در طراحی و تدوین و ترسیم دقیق مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور محسوب می گردد.

❖ پیوست فرهنگی فرصتی مغتنم برای ایجاد تعادل اجتماعی در ابعاد اقتصاد، فرهنگ و سیاست محسوب گشته و به همین دلیل می تواند نقش عمده ای در افزایش بهره وری در کشور ایفا نماید (رضایی، ۱۳۸۸).

گستره پیوست فرهنگی

از آنجا که پیوست فرهنگی شناخت نسبت و تناسبات بعد فرهنگی هر موضوع است، پس هر جا که اثر یا تاثیر فرهنگی وجود داشته باشد، ارائه پیوست فرهنگی برای آن موضوع متصور است. اما بر سر اینکه چه اموری بار فرهنگی دارد و چه اموری ندارد نظرات، متفاوت است. اما تعدادی از این امور در کلام مقام معظم رهبری مطرح شده است:

فناوری ها

امروز وسایل ارتباطی بسیار پیشرفته ای که وجود دارند، مثل جریانهای متعدد(ی) که به دریا میریزند، دارند چیزهایی را به درون جامعه منتقل میکنند، کتاب می آید، روزنامه می آید، کالاها و ابزارهای صنعتی می آید و هر کدام حامل فرهنگی هستند. مصنوعات موجود دنیا هم، هر کدام با خود بخشی از فرهنگ را وارد کشور میکنند (۸۱/۹/۲۶).

تصمیمات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...

من فرهنگ را در سه عرصه به طور مهم و عام مشاهده می کنم. اول در عرصه تصمیم های کلان کشور است، یعنی فرهنگ به عنوان جهت دهنده به تصمیمات کلان کشور، حتی تصمیم های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا تصمیماتی که در تولید نقش دارند. وقتی ما میخواهیم ساختمان بسازیم و شهر سازی کنیم، در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می کنیم، یا تولید میکنیم و یا اشاعه میدهیم. وقتی تولید اقتصادی هم میکنیم، یا اشاعه میدهیم، یا اجرا می کنیم. اگر در سیاست خارجی مذاکره ای میکنیم و تصمیمی میگیریم، عینا همین معنا وجود دارد. بنابراین فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه فعالیتهای گوناگون کلان کشور ی حضور و جریان دارد (۸۱/۹/۲۶).

علوم

بسیاری از مباحث علوم انسانی مبتنی بر فلسفه هایی هستند که مبنایش مادیگری است مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه غریبهها گفتند و نوشتند عینا ما همان را بیاوریم و جوان خودمان تعلیم بدهیم. در واقع شکاکیت و

تردید و بی اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزشهای خودمان را در قالبهای درسی به جوانها منتقل کنیم، این چیز خیلی مطلوبی نیست. (۸۸/۶/۸)

محصولات تمدنی

ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم: مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را نکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است (۷۳/۱/۱).

البته می‌توان به نوعی دیگر گستره پیوست فرهنگی را به لحاظ موضوعی، جغرافیایی، مخاطبان، زمانی و سطح تاثیر تقسیم بندی کرد. بر این اساس، شاید بتوان ادعا کرد که هیچ شأنی از شئون اجتماعی یک سازمان و اجتماع وجود ندارد الا آنکه دارای بار فرهنگی است و لذا اگر بگوییم که ارائه پیوست فرهنگی به عنوان ابزار نظارت بر بعد فرهنگی موضوعات، هیچ حوزه ای را مستثناء نمی‌کند، سخن بیهوده ای نگفته ایم.

نتایج تدوین و اجرای پیوست فرهنگی

تهیه و تدوین پیوست فرهنگی برای تصمیمات، اقدامات، طرحها و پروژه هاو ... از جنبه های گوناگون تأثیراتی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- خروج از روزمرگی و برنامه‌های غیر منسجم فرهنگی و تلاش در جهت ترسیم هدفمند حال و آینده فرهنگی کشور؛

- جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی حاصل از بکارگیری علوم، فناوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی؛

- بازگرداندن هویت واقعی فرهنگی به جامعه در چارچوب استانداردهای برخاسته از فرهنگ دینی؛

- تغییر قوانین و مقررات ملی در راستای حضور هرچه بیشتر فرهنگ دینی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی؛

- به حداقل رساندن تأثیرات مخرب مستقیم و غیر مستقیم اجرای طرح‌ها بر فرهنگ عمومی جامعه؛

- اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در داخل کشور؛

- حفظ و صیانت از استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور در عرصه ملی، منطقه‌ای و جهانی؛

- تقویت حضور جلوه‌های بیان فرهنگ اسلامی ایرانی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی؛

- ارتقای بخش فرهنگی به منظور متوازن شدن بخش فرهنگ با دیگر بخش‌های سیاسی و اقتصادی، اصلاح، نوسازی و توسعه فرهنگ دینی در سطح جامعه؛

- تعبیه ضمانت اجرایی برای تحقق مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی کشور در کوتاه و میان مدت. (رضایی، ۱۳۸۸).

سوالات اساسی در پیوست فرهنگی

محتوای پیوست فرهنگی بر اساس ابعاد، میزان و نوع تصمیم، اقدام، طرح یا پروژه و ... متفاوت است اما می‌توان برای همه آنها لزوم پاسخگویی به ۶ پرسش را متصور بود:

- ۱- چه فرصت‌هایی در فرهنگ محیط وجود دارد که می‌تواند برای تحقق اهداف طرح مفید باشد؟
- ۲- چه موانع و محدودیت‌هایی در فرهنگ محیط برای اجرای طرح مانع ایجاد می‌کند؟
- ۳- از اجرای طرح چه آثار فرهنگی مفیدی در جامعه حاصل می‌شود؟
- ۴- از اجرای طرح، چه پی‌آمدهای مخرب فرهنگی ایجاد خواهد شد؟
- ۵- برای بهره‌گیری بهتر از فرصت‌های فرهنگی و افزایش آثار سازنده فرهنگی چه باید کرد؟
- ۶- برای حذف پی‌آمدهای مخرب فرهنگی و مراعات محدودیت‌های فرهنگی چه باید کرد؟ (بنیانیان، ۱۳۹۲، ص ۴۱)

مفهوم صحیح پاسداری از انقلاب اسلامی

پرواضح است که برای تبیین مفهوم صحیح پاسداری از انقلاب اسلامی نخست می‌بایست انقلاب اسلامی و اهداف آن شناخته شود تا بر آن اساس معنای پاسداری و حفظ دستاوردهای آن روشن گردد، چه اینکه مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: سپاه، پاسدار انقلاب اسلامی است... مقصود این است که سپاه به عنوان یک موجود زنده باید بداند که از چه می‌خواهد پاسداری کند؛ این انقلاب چیست (۹۲/۶/۲۶).

لذا در ابتدا به بررسی اهداف انقلاب اسلامی و سپس معنای صحیح پاسداری از نگاه مقام معظم رهبری می‌پردازیم:

هدف انقلاب اسلامی

- ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده‌ی راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه‌ی خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاتل، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود (۸۴/۵/۲۸).

- برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد. تشکیل یک واقعیت و یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام - که لب لباب تعالیم انبیاء است - زندگی میکنند و آثارش را احساس میکنند. این هدف ماست (۸۷/۷/۷)

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

- من سال گذشته عرض کردم: فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. (۸۰/۹/۲۱)

سال قبل در یکی از
گفتم ما یک انقلاب
داشتیم، بعد نظام
تشکیل دادیم،



- بنده دو سه
همین جلسات
اسلامی
اسلامی

مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است. (۸۳/۶/۸)

وضعیت کنونی در فرایند پنج گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی

ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله‌ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه‌ریزی کردیم - «ما»، یعنی همان‌هایی که کردند - و الان یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در

آن جا معلوم است. مشخص است که مسؤولان چگونه باید باشند. قوای سه گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولتها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسانتر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در همه چیزش هدایت هست. وقتی آدمی مثل من در رأس کار باشد، البته کارِ کارگزاران مشکلتر است؛ ولی ثوابشان هم بیشتر است. اگر توانستند در این راه حرکت کنند، اجر الهی شان بیشتر خواهد شد. هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسؤولیتها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتتان نسبت به حال مردم، رعایتتان نسبت به شرع، رعایتتان نسبت به بیت المال، اجتنابتان از خودخواهیها و خودپرستیها و رفیق بازیها و قوم و خویش پرستیها و اجتنابتان از تنبلی و بیکارگی و بی عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام این کار را می کرد، یقیناً بیشتر است؛ چون او به امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نگاه می کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه مان وظیفه داریم (۷۹/۹/۱۲)

معنای پاسداری از انقلاب

- امروز من عرض میکنم هویت سپاه که هویت پاسداری است، به معنای یک مفهوم محافظه کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را میتوان با یک تفسیر محافظه کارانه معنا کرد. یعنی بگوئیم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم؛ من این را نمیگویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده. هدفها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهایی هستند که در اهداف، مشخص شده اند. هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین تر از آن، انسان سازی است؛ هدف پائین تر از آن، ایجاد جامعه ی اسلامی است با همه ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض شدنی نیستند؛ یعنی ما نمیتوانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. بگوئیم خیلی خب، یک روز میخواستیم عدالت برقرار کنیم، حالا میگوئیم عدالت که

نمیشود، یک نیمه‌عدالتی برقرار کنیم! نه، عدالت. این، هدف است. توحید، استقرار شریعت اسلامی به طور کامل، اینها اهداف است، اینها تغییرپذیر نیست. لیکن در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعتها قابل کم و زیاد شدن است، شیوه‌ها قابل تغییر یافتن است، تدابیر ممکن است جورواجور باشد. در این جهت، انقلاب پیشرونده و پیش‌برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش‌برندگی. پاسداری از انقلاب، به این معناست. اگر ما اینجور نگاه کردیم و مفهوم پاسداری را اینجور فهمیدیم، آن وقت آن طراوت و شور و هیجانی که در حرکت پاسداری هست، مضاعف خواهد شد (۹۰/۴/۱۳).

- خب اگر بخواهیم این کار بشود، دو حرکت در سپاه باید انجام بگیرد: یک حرکت، حرکت درونی سپاه است؛ در درون خود، یعنی خود را تکامل ببخشد. یک حرکت، حرکت به معنای یک جزء پیش‌برنده‌ی مجموعه‌ی کل نظام و انقلاب است، یعنی تأثیرگذاری در بیرون. این دو تا حرکت به موازات هم باید پیش برود. اگر ما از آن حرکت اول غافل بودیم، در درون مجموعه‌ی سپاه و خانواده‌ی سپاه آن حرکت پیشرونده و ترقی‌بخش و تعالی‌بخش را انجام ندادیم، حرکت دوم، یعنی تأثیر سپاه در پیشبرد مجموعه‌ی انقلاب، ناکام خواهد ماند. دست و پائی هم اگر بزند، دست و پای غلطی خواهد بود (۹۰/۴/۱۳).

- وقتی یک مجموعه‌ی زنده، پر نشاط، باطراوت، پیشرونده، بشدت پایبند به مبانی و اصول و ارزشها در نظام وجود دارد و دارد حرکت میکند و زنده است و همه جا را می‌بیند و آگاهی دارد و بصیرت دارد و تأثیر می‌گذارد، این قهراً در پیشبرد مجموعه اثر تعیین کننده خواهد داشت و ما به این حرکت سازنده و پیشرونده و متکامل احتیاج مبرم داریم. یعنی اسلام، امروز نیازمند به این حرکت است (۹۰/۴/۱۳).

- چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده. نمیگوییم انقلاب از اول با مخاطب قرار دادن کل بشر آمد؛ نه، انقلاب اسلامی «ایران» بود، متوجه مسائل ایران بود، متوجه ایجاد تغییرات بنیادی در ایران بود؛ اما زبان این انقلاب و پیام این انقلاب پیامی بود و زبانی بود که نمیتواند و نمیتوانست - به طبع حال - در مرزهای ایران منحصر بماند؛ یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله‌ی انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس میکند که به این پیام دل بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله‌ی با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (۳) است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود..... خب، پاسدار انقلاب اسلامی هستید؛ معنای پاسدار انقلاب اسلامی این نیست که در همه‌ی عرصه‌ها و میدانها بایستی برود حضور پیدا

کند [و] یک وظیفه‌ای بر دوش او است؛ نه، وظیفه‌ی مشخصی است، معینی است، مضبوطی است لکن سپاه اولاً بایستی همواره بداند که چه کار می‌خواهد بکند، از چه چیزی می‌خواهد پاسداری کند؛ ثانیاً ثبات قدم خود را که مؤلفه‌ی اصلی هویت پُرافتخار سپاه است، فراموش نباید بکند؛ این را همه، در همه‌ی سطوح توجه داشته باشند. (۹۲/۶/۲۶)

تبیین ارتباط پیوست نگاری فرهنگی و پاسداری از انقلاب اسلامی

همانطور که در بخش ۵ گفته شد از آنجا انقلاب در ذات خود یک پویایی و تحول مستمر را داراست، پاسداری از انقلاب اسلامی نیز به معنای پاسداری از این تحول و پویایی مستمر است که لازمه این امر پویایی و نوشوندگی نهاد سپاه است. بدین معنا که چون انقلاب یک موجود زنده است و رسیدن به نقطه آرمانی تمدن نوین اسلامی را هدفگذاری کرده است سپاه نیز برای انجام رسالت خود در قبال حفظ دستاوردهای انقلاب می بایست زنده و روز به روز نو شونده باشد. به تعبیری (ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش).

در واقع در هر برهه زمانی از انقلاب بر اساس مقتضیات رسالت سپاه می تواند، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و و هر نوع اقدام ضروری برای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و همچنین تحقق ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی باشد. سپاه رسالت محور هرگز کهنه نخواهد شد و همواره جوان، پویا و با نشاط خواهد بود. این رسالت تجلی دهنده تعهد انقلابی سپاه در دفاع غیرمحافظه کارانه از انقلاب و آرمانهای بزرگ امام(ره) و شهیدان است که در بعد استحکام بخشی به ساخت درونی سپاه و شاکله معنوی آن در راستای انجام رسالت خطیر پاسداری از انقلاب اسلامی تبلور یافته است.

بر این اساس بایستی همواره مراقب بود تا تمامی اقدامات و ماموریت‌های مختلف سپاه در سطوح و عرصه های گوناگون و پیامدهای فرهنگی ناشی از انجام آنها با اهداف اصلی انقلاب اسلامی که سپاه حافظ دستاوردهای آن است نه تنها منافاتی نداشته باشد بلکه باعث تقویت بار فرهنگی مورد نظر سپاه شود. برای این منظور این نهاد به ابزاری نظام مند و دقیق است تا بتواند نسبت ابتناء اقداماتش را با فرهنگ اصیل اسلامی بسنجد و سپس بر اساس نتیجه سنجش در مورد انجام یا لغو آن تصمیم گیری کند. به نظر می رسد پیوست فرهنگی آنطور که در بخش چهارم این نوشتار تشریح گردید می تواند سنگ محک خوبی باشد برای پاسخگویی به این سوالات که اولاً این تصمیم، طرح و ... سپاه بر اساس کدام مبانی فرهنگی استوار است؟ و ثانیاً آیا انجام آن ارزشهای اسلامی را تقویت و یا تضعیف می نماید؟

به عبارت دیگر سپاه می بایست از تاثیر فرهنگی ماموریت‌های خرد و کلان (فرهنگی و غیر فرهنگی) خود در سطح درون سازمانی و بر جامعه آگاه باشد و پیوست فرهنگی می تواند به این نیاز پاسخ دهد. علاوه بر موارد فوق الذکر می توان به دلایل زیر نیز در تبیین ضرورت پیوست نگاری فرهنگی و پاسداری از انقلاب اسلامی اشاره کرد:

۱- طرح این موضوع در سال ۸۶ توسط مقام معظم رهبری در حالی که سپاه تاکنون نسبت به آن اقدامی هدمند و نظام یافته انجام نداده است.

۲- ماموریت‌های متفاوت سپاه در سطوح و عرصه های گوناگون داخلی ، ملی و بین المللی و تاثیرات فرهنگی ناشی از آنها .

۳- انتساب مستقیم نهاد سپاه به حاکمیت جمهوری اسلامی

۴- انتظار پیش روندگی و پیش برندگی از سپاه توسط مقام معظم رهبری

۵- ایجاد یک الگو در بررسی تاثیرات فرهنگی در انواع تصمیمات برای سایر سازمانها و نهادها

۶- کاهش هزینه های مختلف انجام طرحها و تصمیمات سپاه با تدوین پیوست فرهنگی برای آنها

۷- بهره گیری از پیوست فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای مهم در مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی دشمن

۸- اصلاح نگرش و نگاه جامعه به اقدامات و نقش سپاه در کشور

نتیجه گیری

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مولفه هایی چون انقلابی بودن، مردمی بودن و مکتبی بودن از جمله نهادهای برآمده از انقلاب اسلامی است که بر اساس قانون اساسی و تدابیر ولایت فقیه حافظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است. از آنجا که انقلاب اسلامی در فرآیند تحقق اهداف خود به مانند موجود پویا و زنده ای که دائما در حال تحول و تکامل است عمل می کند، نهاد حافظ این دستاوردها نیز می بایست روز به روز نوšونده و پویا باشد تا بتواند از این دستاوردها حفاظت نماید. این پویایی و تحول، منشاء تنوع ماموریتی برای سپاه است و یقینا انجام ماموریت‌های مختلف در عرصه های متفاوت نظامی، دفاعی، اقتصادی، سازندگی، علمی و فرهنگی و ... به دلیل تعامل با افراد، سازمانها و جامعه در سطح ملی و بین المللی پیامدهای فرهنگی زیادی خواهد داشت.

در این راستا سنجش اثر پیامدهای فرهنگی فعالیت‌های گوناگون (فرهنگی و غیر فرهنگی) سپاه امری ضروری است، زیرا به دلایلی همچون انتساب مستقیم سپاه به حاکمیت نظام، لزوم مراقبت از وجهه

مردمی سپاه، موج سواری رسانه های بیگانه بر کوچکترین نقطه ضعفهای نهادهای انقلابی، انتظار پیش بردگی و پیش روندگی مقام معظم رهبری از سپاه، اهداف متعالی سپاه در راستای زمینه سازی برای تمدن نوین اسلامی و در صورتی که این اقدامات به تقویت باورها و ارزشهای اسلامی جامعه منجر نشود در حقیقت نقض غرض است و بر خلاف حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی.

لذا سپاه به ابزاری جهت سنجش ابتناء اقدامات خود با فرهنگ اسلامی نیاز دارد و پیوست فرهنگی با توان پاسخگویی به همین موضوع می تواند ابزار مناسبی در این راستا باشد. در حقیقت پیوست فرهنگی با گستره موضوعی، جغرافیایی، زمانی و ... خود می تواند بر اساس نوع، میزان و ابعاد پیامدهای فرهنگی اقدامات، تقویت و یا کاهش تاثیر مثبت فرهنگی یک اقدام و ... را بسنجد و به تصمیم گیری صحیح در این زمینه یاری رساند.

بر این اساس به نظر می رسد پیوست نگاری فرهنگی برای پاسداری از انقلاب اسلامی ضروری است.

منابع

- ۱- امام خامنه ای، سید علی، مجموعه بیانات.
- ۲- امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- ۳- بنیانیان حسن، «مدلی بر آسیب شناسی انقلاب اسلامی»، آسیب شناسی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، ص ۱۲۸.
- ۴- بنیانیان حسن، ۱۳۹۲، چیستی، ضرورت، آثار پیوست فرهنگی، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۵- دستور العمل ارزیابی پیوست اجتماعی فرهنگی ۱۳۸۸. شهرداری تهران.
- ۶- رضایی، عبدالعلی، ۱۳۸۸، درنگ و درایتی پیرامون تحلیل و تبیین مفهومی پیوست فرهنگی نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره پنجم.
- ۷- سایت سازمان ملی استاندارد ایران.
- ۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷، اداره کل قوانین و مقررات کشور، اداره چاپ و انتشار، چاپ پنجم.
- ۹- ناظمی، مهدی، ۱۳۸۴، مهندسی فرهنگی کشور، تحلیلی بر دیدگاههای مقام معظم رهبری، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۱۰- نیک منش، ابراهیم، ۱۳۹۱، مقایسه اجمالی مبنا، مدل و ویژگی های پیوست فرهنگی با دیگر پیوست ها، کنگره بین المللی پیوست فرهنگی.

۱۱- <http://www.iranculture.org/research/culpol/countries/iran-fa.php> ۲۲-

۱۲- <http://www.rc.majlis.ir>

۱۳- Framework for Cultural Impactasses Ment, Burmak.Sagnig. Dakar, Sengal, ۲۰۰۴.